مردم و حکومت غیراسلامی؛ سکوت، هجرت، مقابله؟

علی فتاحی زفرندهٔ ۱
علی بهادری جهرمی ۲

پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۶/۱۷
دریافت: ۱۳۹۶/۲/۲۰

چکیده
تشکیل حکومت اسلامی نیازمند حضور و آماده گردن مقدمات آن به دست مردم است. نخستین گام فراهم کردن مقدمات، شناسایی حکومت‌های اسلامی از حکومت غیراسلامی است تا مناسب با آن، فرد سیاسی و نظیه خود را بر خود بپوشد و توانیلی با هر یک از این حکومت‌ها تنش خشک دهد. بنابراین لازم است ابتدا شاخصه‌های حکومت‌های اسلامی و غیراسلامی مشخص گردند. در مرحله بعد پایداری حکومت‌های غیراسلامی را در جاری‌بود ادبیات فقهی برسی کردن و دربارا حکم تکلیفی مردم در نحوه تعامل با حکومت‌های غیراسلامی بحث کنیم. به نظرم رس دو جزء عمده حاکمیت برآورده در اعمال حاکمیت سیاسی به وسیله حکومت؛ اصلی ترین شاخص است که باید به حکومت‌های اسلامی از حکومت‌های غیراسلامی است. پس از اطمینان گرفتن این حکومت از توانایی خود نیاز واجب حکومت غیراسلامی است که در هر دوران‌ها ضروری است. در صورت می‌تواند بوده‌شوند ویلا حاکمیت حاکمین یک یا دو حاکمیت اسلامی از حکومت غیراسلامی واجب خواهد بود که از طریق و مراحل مختلفی قابل تحلیل است. یکی از عوامل که ضروری به سایر عناوین ناهمگون ممکن است در عرصه عمل و اجرا، این حکم اولیه را باید تغییراتی مواجه سازد.

واژگان کلیدی
حکومت غیراسلامی، مشروطیت، طاغوت، حاکم جائز، هجرت.

A.fattahi.zafarghandi@gmail.com
a.bahadori.j@gmail.com

۱. دانشجوی دوره دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران.
۲. دکتری حقوق عمومی از دانشگاه تهران، پردیس فارابی.
مقدمه
مجموعه امواج و دستورات خداوند متعال، به دستورات فردی و اجتماعی تقسیم می‌شوند. امواج فردی، هر یک از افراد مسلمان را به نوعی توجه به دیگران مورد خطاب قرار می‌دهند. در حالتی که امواج اجتماعی برای اجرا در جامعه اسلامی وضع شده‌اند و بدون تشکیل جامعه اسلامی، امرالله به صورت کامل محقق نمی‌شود و اجرای بخشی اعظم دستورات اجتماعی خداوند متعال نیازمند تشکیل حکومت اسلامی است. از طرف دیگر تشکیل حکومت اسلامی بدون حضور و پذیرش مردم عملاً غیرممکن خواهد بود و از آنجا که حضور مردم مقدمه تشکیل حکومت و تشکیل حکومت مقدمه اجرا احکام الهی در جامعه است، برای مقدمه اسلامی واجب است شرایط و مقدمات ایجاد نظام اسلامی را تحت رهبری امام علی مقصود با فقیه جامع الشرایط آماده نماید. اما گام اصلی پس از مشخص شدن وظیفه و تکلیف مردم در ایجاد حکومت اسلامی، تبیین راهکارهای تحقق این وظیفه است؛ از این رو با این در مراحل اول روش شدن که چه حکومتی را می‌توان حکومت اسلامی و چه حکومتی را غیراسلامی تلقی کرد. به بیان دیگر مردم ملزم به عدم پذیرش و عدم اطاعت از چه حکومتی هستند و در مقابل، ملزم به پذیرش و تحقق چه حکومتی خواهند بود؟
برای تبیین این موضوع، نخست باید حکومت‌ها را به حکومت‌های اسلامی و غیراسلامی تفکیک کرد و به این پرسش‌ها پاسخ داد: معمای حکومت‌های غیراسلامی چیست؟ حکومت‌های غیراسلامی در فقه به چه عنوانی شناخته می‌شوند؟ منظور از مفهوم حکومت طاغوت و مفاهیم مشابه آن در فقه چیست؟ حکم تکلیفی مردم در ارتباط با این نوع حکومت‌ها چیست و آیا آنها حق همکاری و رجوع به حکومت‌های غیراسلامی را خواهند داشت؟ در صورت ناتوانی مردم در تشکیل حکومت اسلامی در حدوده جغرافیایی یک نظام سیاسی؛ آیا وظیفه تشکیل از عهده مردم ساقط می‌شود یا اینکه مردم در حد توان خود باید به اجرایی شدن دین در جوامع دیگر کمک کنند و یا به نظام اسلامی هجرت نمایند؟
برای پاسخ به پرسش‌های فوق، نخست عناصر تشکیل دهنده در نظریه حقوقی معاصر را بررسی می‌کنیم و در راستای تشکیل نظام سیاسی اسلام، عناصر فوق را مطالعه می‌نماییم.
مقدمه: مفهوم حکومت

چارچوب مفهومی

بخش اول: مفهومی از اسلامی و غیر اسلامی حکومت

بخش دوم: بررسی‌هایی در مورد اثرات حکومت‌های اسلامی و غیر اسلامی بر انسانیت
بتربره‌ای افراد آن حاکم و در آن حفظ نظام عمومی را سازمانی مجهز به اقتدار اجتماعی بر عهده داشته باشند (قاضی، 1383، 1393). بنابراین جامعه سیاسی که در سزمن می‌باشد، از اجتماع متقابل مردم و حکام شکل می‌گیرد دولت-کشور نامیده می‌شود (هاشمی، 1390، 1396). عناصر سازندگی دولت-کشورها عبارت اند از گروه‌های انسانی (جمعیت)، چارچوب فضایی (سزمن)، و قدرت سیاسی (حکومت و حاکمیت).

وجود قدرت عالیه سیاسی به عنوان سرمایه عنصر مورد نیاز برای شکل‌گیری نظام سیاسی به منظور اتخاذ تصمیمات لازم در بحوزه اداره امور عمومی و تضمین احترام به این تصمیمات که گاهی با استفاده از زور و اجبار است، امری ضروری به نظر می‌رسد (عباسی، 1388، 1388، 1429). در مفهوم قدرت سیاسی می‌توان میان موضوع قدرت تحت عنوان حاکمیت و نهاد اعمال قدرت تحت عنوان حکومت تفکیک قابل شد (هاشمی، 1395، 1396 و 1397) در نتیجه می‌توان گفت: حکومت گروه‌گرایاندگان و مدیران یک دولت-کشور را شامل می‌شود که در قابل یک نهاد کلان اقدام به اداره امور عمومی در قلمرو سزمنی آن دولت-کشور می‌نمایند (رودک زمینی، 1351، 1373، 1374).

از طرف دیگر تشکیل نظام سیاسی اسلامی جهت تحقق کامل دستورات و اهداف دین مبانی اسلام و در راستای سعادت دنیا و آختر و همه انسان‌ها ضروری به نظر می‌رسد. از مبانی عناصر تشکیل دهنده یک دولت-کشور تجاوز عمده میان نظام های اسلامی و نظام‌های غیر‌اسلامی در عنصر سوم یا قدرت سیاسی پدیدار می‌گردد. هر چند در بیان عنصر تشکیل دهنده دولت-کشور اسلامی به تعاریف سزمن و جمعیت قبیل دیگری مانند شکل‌گیری امت واحده اسلامی در دارالاسلام یا همه کشورهای مسلمان نشین و حضور اکثریت مسلمان در میان طبق جمعیت جهت ایجاد حکومت اسلامی افزوده می‌گردد. برای نمونه تشکیل هر دولتی نیازمند وجود گروه‌های انسانی است که دولت بر آنها اعمال حاکمیت می‌نماید و آنها نیز به دو مجموعه خود در این رابطه حقوقی-سیاسی تحت عنوان تابعیت

درک: محمدحسن اسکندری و اسماعیل داریکلاهی، درآمدهای برحق محاسباتی، دفتر مهم‌کاری حوزو و دانشگاه، 1377، ص13-7. 111.
مقدمه

به عبارت دیگر ملت، جمعیتی است که با رابطه سیاسی و حقوقی در نظام واحده زندگی می‌نمایند (عمری زنجانی، 1391). تشکیل حكومت اسلامی عملاً در جامعه‌ای ممکن خواهد بود که اکثریت آن را مسلمانان تشکیل دهد که هر اجرای احکام اسلامی هستند و آن‌جا که مطلوبی اجرا دستورات الهی در جوامع غیرمسلمان دراز به دنبال نیست. تشکیل حكومت اسلامی در این جوامع نیز بسیار ناممکن می‌نماید. از طرف دیگر معیار تابعیت اساسی تعالیم دینی در دولت اسلامی مبتنی بر دو بایه ایمان و قرارد است. عنصر ملی در دولت اسلامی مشکل از مسلمانان و غیرمسلمانان است که با دولت اسلامی پیمان بسته و تحت حمایت آن می‌باشد. (هاشمی شاهرودی، 1349) در نتیجه عنصر ملیتاً با امت در دل است. صرف شاخص مفهوم ملیمی که در سیرزمین معین حضور دارند، نیست و قبیل دیگر مانند داشتن اعتقاد دینی و یا پیمان با حکومت اسلامی را در خود جای می‌دهد.

صرف نظر این موارد، همان‌گونه که بیان شد، نیاز اصلی در تفکیک نظام‌های اسلامی و غیراسلامی در سوئیم عنصر از عنصر تشکیل دهنده دولت-کشور و منشاً و مبناً آن نهفته است. در تبیین این موضوع به‌گونه‌ای علمای حقوق عمومی به‌طرف دیگر‌های مختلف اقدام به دسته‌بندی حکومت‌های سیاسی کرده‌اند. برخی با استناد به شکل و نحوه انتخاب زمامداران، حکومت‌ها را به حکومت‌های یکپارچه، حکومت‌های چندنسلارو حکومت‌های شبه‌سالم‌داره، بندی‌های می‌کنند (فاضلی، 1384؛ 1385). عده‌ای با توجه به طریقه اداره امور کشور حکومت‌ها را به حکومت متمرکز و غیرمرکزی تقسیم می‌نمایند. (آمی ام و استوارستگی، 1391) از نگاه دیگر می‌توان حکومت‌ها را به حکومت‌های اسلامی و غیراسلامی تقسیم کرد (جمشیدی، 1375).

معیارها و مبانی پذیرفته شده جهت استعمال حاکمیت در هر کشوری می‌توانند مبنای مناسبی جهت تقسیم حکومت‌ها به اسلامی و غیراسلامی باشد. حکومت‌های برای انجام

1. برای مطالعه بیشتر، عباس کامبی، تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران، ج، تهران، پژوهش کدکه شورای تغییر، 1394 ص، 2012.
وقایع خود نیازمند به قدرت پرتوی بالاتری هستند که ما فاقد آن، قدرت قانونی دیگری وجود نیاخدن تا به واسطه آن اعمال قدرت نمايند. این قدرت عالیه در نظام اجتماعی خاکنیت نام دارد. (عمید زنجانی، ۱۳۹۰، ۷۲-۷۳) به عبارت دیگر حاکمیت در لباس حکومت تبلور یافته و حکومت، مجری اعمال حاکمیت است؛ از همین رو در ادبیات اسلامی نیز موضوع حکومت اسلامی تحت مباحث ناظره حاکمیت طرح شده است.

حاکمیت در ادبیات فقهی و حقوقی تحت عنوان «ولایت» و «قدرت عمومی» نیز به کار رفته است. تشکیل و استمرار حیات سیاسی هر نظام سیاسی به نحوی توجه حاکمیت و مبانی آن گرو خوده است و حکومت ها بدون توجه مشروطه حاکمیت خود برای توده مردم بقای در دوامی نخواهد داشت. براساس نظریه حقوقی اسلام، در حکومت اسلامی حاکمیت بر انسان و جهان تنهای اختیار خداوند متعال است و قانون‌گذاری و تعیین مجزی برای اجرای قوانین نیز در انتخاب و قرار دادو و درک کردن و اجرای اعمال حاکمیت در جامعه اسلامی را می‌داند. این را که حاکمانی را برای اجرای دین در جامعه می‌کند و مسلمان‌ها دارکاری از طرف خداوند متعال جهت حکومت بر مسلمان‌ها تعیین گردند، مردم حق ندارند اما کسانی دیگری را به عنوان حاکم انتخاب نمایند. (سیحانی، ۱۳۸۰، ۱۰۳-۱۰۴)

در تشبیهی می‌توانم حکومت هایی که برای تحقق اوامرالله در قالب دین اسلام تحت سرپرستی حاکم منصوب خواهند تشکیل می‌شوند و در آن مردم ولی الهی می‌پذیرند را «حکومت اسلامی» بدانم و حکومت هایی که به حرطیق دیگری به دنبال کسب مشروطه برای اعمال حاکمیت بر مورد می‌باشد «حکومت خیالی» نامگذاری می‌کنم. مفهوم حکومت اسلامی و غیراسلامی در ادبیات فقهی نیز تحت عنوانی مانند ولایت الهی و ولایت طاغوت، حکومت طاغوت و حکومت سلطان جانی در کانون به قرار گرفته است.

۲- واژه شناسی حکومت‌های غیراسلامی در ادبیات فقهی

فقره‌ها در تبیین مفاهیم حکومت‌های اسلامی و غیراسلامی از اصطلاحاتی مانند طاغوت و
حاکم جانشین استفاده کرده‌اند. از چگونگی سوهم صحیحی از حکومت غیراسلامی نیازمند روش‌های مفهوم این اصطلاحات است. ولی دیگر بررسی تعیین و معیار ساخت «ولایت طاغوت» و مفاهیم مشابه آن در حق اسلامی می‌تواند وظیفه مرت تا در حق شرایط تشکیل حکومت اسلامی از طریق مقاله و مبارزه با حکومت‌های غیراسلامی به‌ویژه نشان دهد. برای فهم دقیق مفهوم «طاغوت»، نخست ممنوع ارغیابی و مفاهیم مشابه آن را بررسی کنیم و سپس ممنوع ارغیابی و معیار‌های طاغوت را مطالعه خواهیم گرد.

۱-۲- طاغوت

طاغوت در زبان عرب همانند کلمات «چپ‌رو» و «ملکوت» دارای معمای مصدراً است و در فهمه طبیعی به کار می‌رود؛ مانند این عبارت‌ها که می‌گویند «طبیعی‌ترین» (آب به خاطر فراوان و شدت از محدوده قدرت تجاوز نمود.). طاغوت در معنای انسان‌المحترم، جبر و متمرکزی که از وظیفه به‌دست خداوند متعلق و رفیع برگردانده و این عمر نشان دهنده گرد نشاند که از پیشگاه روبی است نیز کاربرد دارد (طباطبایی، ۱۳۸۴، ۴، ۴۶۲). در فرهنگ لغات فارسی نیز طاغوت در معنای سرکش متعهدی، شیطان و هرآن چیزی که جز خدا متعال مورد پرستش قرار می‌گیرد، به کار رفته است و مشابه به کار فکری ناپیوست طاغوت در معنای‌بی‌بی و صنف از همین جهت باشد. (دهخدا، [پیتا]، دیل و اتاق طاغوت) و (معینی، ۱۳۸۹، دیل و اتاق طاغوت).

اما واقعی طاغوت در اصطلاح فقه و حقوق عمومی به معنای حکومتی است که ریشه در موارد ملی اسلام ندارد. به عبارت دیگر آنان جاکه خداوند حکمکت ولایت را منحصر در اختیار خود، پیامبر اولی الملل قرار داده است، هر حکومتی که بدون توجه به این حکومت انجام در تبدیل شکل گردید، حکومت طاغوت به شمار می‌آید. (مکارم شیرازی، ۱۳۶۴، ۴۴۶) استعمال واقعی طاغوت در حق آن قرار کریم نیز مؤید همین منعاست. براساس آیات قرآن کریم منصف شدن به ترتیب ایمان به‌خدا در جهت سعادت دنیا و آخرت به‌ویژه فراهم نمودن مقتضیات ایمان به خدا و رفع مواضع آن است. آیات الهی رجوع به طاغوت را یکی از
عوامل مهم در گرامری و کفرانسان به خواوند متعال و از موانع ایمان به او می‌دانند. (انصاری نجف‌آبادی، ۱۳۸۵، ۸) خواوند متعال در آیات سوره مانده‌؛ پس از بیان انحصار حاکم‌ت و لالیت در خود، پیامبر و امام متعال، به موضوع رجوع به طاغوت می‌پردازند و می‌فرمایند: «آیا ندیده‌ای کسانی را که می‌پندارند به آنچه به سوى توانال صده و [به] آنچه پیش از توانال گردده ایمان آوردند؟ [با این همه] می‌خواهند داوری میان خود را به سوى طاغوت پروردگر با آنکه قطعاً فرمان‌های فانطئاند که بدان کفر ورزند [ولی] شیاطین می‌خواهند آنان را به گرامراهی دوری دراندازد؟ ۱

از آن جاکه طاغوت به هرج و مرجی که وسیله طغیانگری و سرکشی است؛ اطلاق می‌گردد، در بیان حق و قضاوت طاغوت به باطل حکم می‌نماید و حکومه و مزاهیه الهی در ارایت حقوق و عدالت را درهم می‌سکند؛ به همین دلیل، آیه مبزره ملاس مسلمانانی می‌پردازد که وظیفه رجوع به امام عادال را برعهد داشتند، اما از مسیر طراحی شده الهی خارج شده، در دام شیاطین حکومت غیراسلامی گرفتار گردیده‌اند. با استناد به آیه فوق می‌توان نتیجه گرفت که رجوع به حاکم طاغوت و درخواست داوری از او ایمان به خداوند متعال و چون اساسی در تعارض است و این حکم برای همه مسلمانان در همه قرون و عصور وضع شده است. (مکارم شیرازی ناصرودیگران، ۱۳۷۴، ۴۲۶) استفاده از صیغه جمع و ضمیره‌ای جمع در آیه؛ در حالی که شکن نژول آن مربوط به یکی از منافقین است، خود مؤید به رای دانیل‌بودن و تعمیم حکم آیه است. (حسنی جرجانی، ۱۳۶۲، ۷۳۲، ۱۳۶۴) ۲

1- حاکم جانیر
یکی دیگر از مفاهیم قهقه که به وسیله آن شناخت حکومت اسلامی از حکومت‌های غیراسلامی تستهیل می‌گردد، عبارت «حاکم جانیر» است. واز چهار در کتاب «علید» تعلیف می‌شود و جانیر به شخصی اطلاق می‌گردد که ظالم می‌کند و عدالت را رعایت نمی‌نماید و آز

۲- حاکم جانیر
یکی دیگر از مفاهیم قهقه که به وسیله آن شناخت حکومت اسلامی از حکومت‌های غیراسلامی تستهیل می‌گردد، عبارت «حاکم جانیر» است. واز چهار در کتاب «علید» تعلیف می‌شود و جانیر به شخصی اطلاق می‌گردد که ظالم می‌کند و عدالت را رعایت نمی‌نماید و آز

۱- آلم‌ برکت آل‌الدین بن‌عمران (۱۴۱۵-۱۴۷۹) نقل می‌کند: «من به ما آذر می‌آورم چون ما آذر از من فیکت نیستند که آنهاکه ناگهان به طاغوت و قد امروز آن یک فکر ندارند (نیایه، آیه:۴)»
حق به باطل تعدیت می‌کند. (لوئیس مولوویف، 1964: 115، 136) سیاسه لباس/عرب نیز بر تعیین خود جور، رانقیش«عمل» می‌دانند. (یان منظری، 1862: 236) دهخدا در تعریفی که به تقلید صاحب کاریکاتور/اصطلاحات/الفنون تقلد می‌نماید، تفاوت میان ظلم و جور را بیشتر مشخص می‌کند: جور، ظلمی است که در پر انتزاع از مسیر حق و میل به باطل به وجود می‌آید. (دهخدا، 116-21) جور، همچنین در اصطلاح قرآنی نیز «جاه» در معنای انحراف از مسیر مستقیم و هدف واقعی به کار رفته است و راه جان، رهروی از پیامدهای راه هدایت و سعادت خویش دور می‌سازند و یا گزاره می‌کنند (طباطبایی، 1384: 321-322، 315-316). در اصطلاح فقهی نیز، کسی که به‌دن کشیدن به حکومت بر مسلمین یا بر عهده‌گیری جان، نامیده می‌شود. به بیان دیگر، جان، جاک جوز مسیرو خلافت الهی را از آن‌جاه خیال خود که خارج نموده و از راه مستقیم منحرف کرده و حکومت را با اختیار فردی غیر از خمایم منصور خواهد قرارداده و گراش به باطل پیدا کرده است، جان، نامیده می‌شود. (احمدی، 1388: 15)

با روشن شدن مفهوم «حکومت طاغوت» و «سلطان جان»، می‌توان می‌یارانی شناسایی حکومت طاغوت را نیز بیان کرد تا این طریق تکلب مهر در برخورد با حکومت‌ها و ضوح باید.

## ۲-۳ معیار تفکیک حکومت‌های اسلامی و غیراسلامی

فقط‌که نیازی به دو نظر گرفتن معیارهای خاص حکومت‌ها را به حکومت اسلامی و غیراسلامی تقسیم می‌کنند. برای شناسایی ضایعه و معیار تشخیص حکومت‌های غیراسلامی با ولایت طاغوت و حکومت سلطان جان، با این داستان که مهم‌ترین شاخه حکومت طاغوت، نیروی مستریه‌های الهی است. به عبارت دیگر، حکومت حاکمیت ولایت خداوند نیست، چراکه ریشه و خاستگاه حاکمیت طاغوت، منفک از مبانی حاکمیت الهی می‌باشد. در نتیجه این گزاره با این بیان کرد که بر اساس اندیشه سیاسی اسلام، اصل اساسی و اولیه درباره سلطه و ولایت و حاکمیت انسان‌ها بر پارکی‌ها، عدم ولایت است و هیچ انسانی بر پارکی‌ها و ولایت حق اعمال حاکمیت ندارد. چراکه اولاً، حاکمیت مختص خداوند
است، ثانیاً اصل برگرایی انسان‌ها با یکدیگر است و به همین علت هیچ‌کس حق دخالت در حیات یک انسان خودگران یا بدون رضایت او ندارد. (مراغی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲) این در حالتی احتمال است که خواهند معتقد داشته باشند. این افراد کسانی هستند که آگاهی بیشتری از دستورات الهی و نحوه اجرای آنها دارند و بهتر می‌توانند اموار خود را برای مراکز تربیتی گرددند و در دو مرحله، یکی از دو مرحله، این مراحل اجرا گردیده نمایند. به عبارت دیگر می‌توانیم این را حاکمیت در حکومت اسلامی تناها داشته باشیم. هرآن کس که خواهد نمی‌توانند هیچ چیزی درباره تعالی و هرآن کس که خواهد باید یا حق اعمال حاکمیت قائل شده است، حق حاکمیت برپارسان را ندارد. (طاهری، ۱۳۸۱، ص ۱۲۴) پیامبران الهی نخستین گروهی هستند که حق ولایت به آنها تفویض گردیده و آیات و رویاهای فراوانی مؤید این معنا است.

۱. دسته دوم امامان مخصوص هستند که به دلایل آیات قرآن کریم و روایات وارده در آن، زمینه، مفروض برپارایی دینی، رهبری سیاسی و اجتماعی امت را بر ارتداد و همه شون پیامبراعظم (ع) در اقتدار و ابلاغ و حمایت از جمله شان حاکمیت سیاسی ایشان به‌نام معصوم و ایشان و یک‌نخستین را برای اعمال غیره نهاده و آن از تغییرات نیز استثنائی برای عدم ولایت صد می‌دانستند. ۲. برایان مبنای مشروطیت حکومت سیاسی ولایت الهی در عصر حضور پیامبر و امام معصوم تهیه در اختیار آنان است. اما همان‌طور که در مباحثِ پیشین گذشت تاکید حکومت و اجرای احکام اسلام و عدم مراجعه به طاغون درامر حکومت‌های اسلام‌وارث و مستقبل دین اسلام است، نباید این در دوره غیبت امام معصوم نظریات برگجی یکسان نباشد بلکه یکی از مبانی جامعه معتقد است: نباید دلایل عقلی و نقلی نشان دهنده که بر اساسِ و تدبیر خود اعمال ولایت، فقیه‌های جامعهِ شریعی در دوره غیبت

---

1. رک: جوان آریامهر، مبانی حکومت اسلامی، بوستان کتاب، ۱۳۸۸، ص ۹۹-۴۲.
2. رک: همان، ص ۱۵۰-۱۱۵.
امام وظیفه زعامت امت اسلامی را بر عهده دارند و استثنایی برای عدم ولایت هستند. (جوادی آلیمی‌ها، ۱۳۹۰، صفحه ۱۴۲) مطالب نظر ایشان، اداره امور حکومت و اعمال حاکمیت نظام اسلامی در دوره غیبت به دلایل مختلف عقلی و نقلی به فقهی جامع شرایط و اگذار شده است. (تایبند و محسنی، ۱۳۹۰، صفحه ۷۵) براین مبدا اساس مشروطه‌ای در نظام اسلامی این الهی به حاکم جهت اعمال حاکمیت است که این حق یا از طریق نصب مستقیم (مانند امام مصوب) و یا از طریق نص (ولایت وقفی) اثبات می‌گردد. به همین دلیل حکومتی که مشروطه‌ای خود را از هر راهی غیر از مسیریابیده کسب کرده باشد و حاکم حکومت در زمره گروه‌های استثنایی از اصل عدم ولایت قرار نگیرد، حکومتش مصداق حکومت طاقت‌های یا حکومت غیر اسلامی خواهد بود. (احمدی، ۱۳۸۸، صفحه ۱۷)

در نهایت مبتنی بر اقوال فقهای شیعه، حکومت، مصداقی از حرمی تعیین شده و با استناد به ادله عقلی و نقلی در صورت فقدان ویا عدم دسترسی به فقهی دارای شرایط، مؤمن عادل سری‌سری انجام امور حسیبی را بر عهده می‌گیرد. جزء امور حسیبی، به آن دسته از امور اطلاعی که خداوند متعال راضی به اعمال ویا ترک آنها نیست و به دنبال تحقق خارجی این امور است. (خمینی، ۱۳۱۸، صفحه ۶۴) براین اساس مشورت فقهی شیعه ولیعهد بوده و مؤمن را در صورت فقدان فقهی جامع شرایط ویا عدم دسترسی به او به عنوان استثنایی بر قاعدة عدم ولایت پذیرفته‌اند؛ هرچند اختلافاتی درخصوص جواز (خمینی، ۱۳۱۸، صفحه ۶۷۱).

و یا وجو (خمینی مراغی، ۱۳۱۸، صفحه ۵۸۱) آن مشاهده می‌شود.

برای اساس مفهوم حکومت مشروطه در انديشة اسلامی در طرف حکومت‌های قرار می‌گردد که در راس آن ولی منصور مستقیم الهی قرار دارد و یا زعامت آن بر عهده ولی فقهی با مؤمن عادل است؛ با این تفاوت که مبان مشروطه‌ای حکومت‌های مختلف نوعی ترتیب و وجود دارد. به بیان دقيق‌تر، برخی حضور امام مسلمین، ولی ولی فقهی و یا مؤمن عادل به معنا است و در دوره غیبت امام مصوب چنانچه به ولی فقهی به شرایط وی و یا مذرک در منابع شرعی دسترسی باشد، ولی عدول مؤمنین تحقق پیدا نمی‌کند. اما در دوره غیبت امام مصوص و نداشتن دسترسی ویا فقدان فقهی دارای شرایط سرپرستی جامعه اسلامی به عدول
مؤمنين تحقيق يا فاته كشعبنا وخصوصيات أن نيسر انديشة فثقتي بنياد شبه است. 
در نتائجه الضيق للملقب برانج انذاك اعمالي اعمال مرفوع به طرح
دعاوى وحل ونحو مخاوضات، بدأها ملالي وتواصلت، و...، به حكومة هملي مواجهة
كند وأذنها اطالة نابض كمهني أعمال حاكمية أنها برأس مزودين اسلامي و
استثنائات اصل عدم ولاية طباه نشوة است، به حكومة طاغوت وسلطان جائر مواجهة
ن.TableNameات من لوثر طاغوت ونظام حاكمية أن هي بفترة غيروزما اهل بيت حكومة نواب.
طاغوت است.

نبادرين طاغوت وحاكم جائر، حاكم است كهدوين اذكوار معاد وبا امام
معصوم هؤلاء مزود وحاكم برائز مسلمين معتز مي محمدي. (1، محمدي، 1388) بديهي
است مفهوم طاغوت ونود حكومة نيز مفهومي مترتب است كم يواند طيف وسعي
إذا حكومة تري برهمد كممكن است برخي از حكام اسلامي نيز دير برخي از اتباع ابن
حكومه قابل يجيا داشته يا به مرحلة اجا دراكد.

6-2 أقسام حكومات هيغيراسالي

بربانك معيار مشروعية كملاء مصلى تفكيك حكومات هيغیراسالي وغيرومارلي
به حساب مي سيد، مي تنوان سكان حكومات هيغیراسالي نيز تفكيك قابل شد. به عبارت
ديكر حكومات هيغیراسالي از حيث نحوه برخورد وتحدي مشروعية به سه دسته

1، نعيم علي يبسيل، أن قال: كل حاكم يحكم بهفران أهل البيت فهله طاغوت وفوق أن يلغي الله تعالى برتون أن ينتهاكما إلى الظالمون
وقد أدرى أن يكذبوه بي ونهب بذلك أن ينسلحهم فلا يبعذب يقال: قد وقعت في حل الخائمون إلى الظالمون واتهاتهم السفاحون سلاما
بتبعا فلأنت فتكم من هذا الوثائق إذ إن خيَّرة وفَتْك في مكان عيمه تغدر فتكم لينة ملذ (عريف، بي مريم، تنعيم بين محمد
تيميمي، دعائم الإسلام، 2 جلد، مؤسسة آل البيت (محمدي، إيران، 1385 هـ، ص 316، ص 53).
2، مفهوم حكومات اسلامي وعباده بايزاني وتفكيك أن اعمال هيغیراسالي من بحث بمانياق، هذه است كه
محاولة متعددة دربرا أن قلبل طرح است كبرسي مه بعذاب أن أروفة أين مقالة خارج است وراءهم وبيان جمالية اكتفأ
به عدد.

براي مطالعه بيشرفي: عباسعلي عبده زنجاني، فقه سياسي، ج 1، ص 182 به بعد.
تفسیم می‌شوند: دسته‌ای از حکومت‌ها، دقتاً در تعارض با حکومت‌های دیگر قرار دارند.

حکومت‌هایی که مبتینی بر تفاوت‌های اقتصادی ندارند، به‌گونه‌ی که دنبال متقابلی با حکومت‌های دیگر است، به آنها به «حکومت‌های ضد دین» تعبیر می‌گردد. دسته‌ای دیگر حکومت‌ها به دنبال چنین دین از سیاست، شکل می‌گیرند. این حکومت‌ها می‌توانند در راستای انجام امور فردی معتقد به دین داری هستند، اما کارایی دین در عرصه‌ای اجتماعی را نمی‌کند و توده‌های مرموم را به عنوان حاکمان برسروش خوشی به عنوان عامل اصلی مشروطه‌ها معرفی می‌نمایند. این حکومت‌ها تحت عنوان «حکومت‌های سکولار» شناخته می‌شوند. دسته‌ای دیگر به عناوان حاکمان برسروش خوشی به عنوان عامل اصلی مشروطه‌ها معرفی می‌نمایند. این حکومت‌ها تحت عنوان «حکومت‌های سکولار» شناخته می‌شوند.

سوم نیز به‌گونه‌ی که دنبال اجرای احکام و دستورات اجتماعی دینی هستند و در ظاهر با مشروطه‌هایی در تقابل و تعارض نیستند، اما فاقد عنصر مشروطه‌ای اند و خداوند هیچ اذنی برای اداره و زعامت امور مسلمان به آنها نداده است. حکومت‌های مذکور حکومت‌های سلطنتی مشروطه‌هستند. (اختصار: ۱۲۸۱، ۱۳۸۱، ۱۳۸۱، ۱۳۸۱، ۱۳۸۵، فریاد زاده، ۱۳۸۱، ۱۳۸۵.)

بنابر تفسیری، بالعالأ حکام‌هایی که بر می‌نیایند مشروطه‌ای دینی تشکیل نشده‌اند؛ خواه تخت عنوان حکومت‌های ضد دین‌یا سکولار و خواه سلطنتی مشروطه، در زمره حکومت‌های غیراسلامی قرار می‌گیرند.

۲- حکم شرعی مراجعه به حکومت‌های غیراسلامی

بعد از شناخت مفاهیم ناظر به حکومت‌های غیراسلامی در ادبیات فقهی همچون مفهوم طاغوت و معیار بازنشستگی حکومت‌های اسلامی را حکومت‌های غیراسلامی و آمیزه‌ای به برخی از اندیشه‌ها و اقسام حکومت‌های غیراسلامی، این پرسش طرح می‌شود که: حکم فقهی رجوع به حاکم جانیا فکری با اطاعت از حکومت‌های غیراسلامی‌چیست؟ به‌عبارت دیگر هنگام تشکیل حکومت غیراسلامی و اعمال حاکمیت حاکمیت که از ناحیه خداوند متعالی در راستای متعالی متعالی متعالی و در صورت مراجعه به این حکومت‌ها و پذیرش حاکمیت آنان چه خواهد بود؟ آیا خداوند به پذیرش مردی
حکومت جانشین حکومت که خدا به آن اعطای مشروطیت نداده، راضی است؟ یا اینکه برای مردم حکم دیگری وضع کرده است؟
بررسی آرایفقها که با استناد به ادله قرآنی و روایی به دست می‌آید، نشان دهند حکم حرمت رجوع به حکومت‌های غیراسلامی است. فقها و مفسرين پس از اثبات نحوه تحقیق حاکمیت الهی در دستورات خداوند متعال مبنی بر رجوع به پیامبر اویل امرور با استناد به کتاب و سنت اهل بیت، از رجوع به حاکم طاغوت به نه می‌کنند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ص ۲۴۶). برای نمونه آنان آیه ۶۰ سوره مائده را دلیل بر حکم رجوع به سلطان جانشین حکومت‌های غیراسلامی می‌دانند و معتقدند آن مذکور بر حکم رجوع به این حکومت‌ها دلالت می‌کند و مؤید آن نیز روایت حضرت امیرالمؤمنین است که می‌فرمایند: «هر حاکمی که حکم کند بغير مسخر ما که اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه وآله و سلم می‌دانند پس آن حکم طاغوت است».
و در ادامه همین آیه بر قرآن فرمودند. (حسنی جرجانی، ۱۳۴۱، ص ۷۳۲)
روایات اهل بیت عصمت و ظهارت نیز دلالت بر همین حکم می‌کند و رجوع به سلطان جانشین حکومت غیراسلامی را هر روز می‌کند؛ برای نمونه مبته مغز خوب حسن چنین که در اثبات مسئله ولایت فقیه نیز مورد استناد قرار می‌گیرد، دلالت قطعی به این حکم دارد. در ضریب روایت مسلمانان را زین رجوع به حاکم جانشین و ایلیان و قاضیان سیاسی و نهی و منع می‌نماید (جوایدی، ۱۳۹۱، ص ۲۱۹). به عبارت دیرگر حضرت در راه ساؤل در دل نزول بر حکومت‌های غیراسلامی و در خواست قضاوت آنان، از مراجعه به حکومت‌های غیراسلامی ناروا در همه زمینه‌های اجرا و قضایی ممکن می‌نماید و به امت اسلامی دستور می‌دهد حتی در صورت ثابت بودن حق خود برای اجلاس آن، نمی‌توانند به حاکم طاغوت با جانشین در مورد حق منع کسی که مشروطیت خود را از نصب الهی اخذ نکرده باشد. مراجعه کندن و در صورتی که از طرفین این حکومت‌ها به حق مسلم خود دست یابند، استفاده از آن حرام است و نمی‌توانند در آن تصرف کنند. (حسنی جرجانی، ص ۷۳۲، ۱۳۴۱)

۱. آئم! تروری اهلبیا یعنی اهل اسلام اما اعلای قدرتی ائلیهک و آئم اهلبیا یعنی ائلیهک. راه وارداتی این ادله که به حکومت‌های غیراسلامی نیز می‌رود، می‌تواند به خطایی اجرا نشود. ۲. و آئم! تروری اهل اسلامی را می‌تواند به حکومت‌های غیراسلامی نیز می‌رود، می‌تواند به خطایی اجرا نشود.
تشكل حكومات اسلامی وظيفة شرعی مسلمانان در برابر طاغوت

با عناية به حکم ممنوعیت رجوع به حکومت‌های غیر‌مسلمان، یکی از نتایج گرفته شد که برآورده حکم اولیه شرعی، سکوت در برابر حکومت‌های غیر‌مسلمان، حکمی دائمی و همگزین است و در کنار این حکم احکام تردنی‌پذیری مانند امر به معروف و نهی از منکر، عدم ایجاد آگاهی بسیاری از ادیان اسلامی دین اسلام که از نظر حاکمیت اسلامی ارزش‌دار می‌باشد. حکومت‌های غیر‌مسلمان [که] منجر به برخی‌ها مانند حکم اهلی می‌گردد، نظرهای سکوت را توجیه نمی‌نماید (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۷، ص. ۱۶۳). \[\]

از آن جاکه از نظر فقه‌ای، حکمت به معنای حکم به ترتیب تعلیم است که تحقیق آن موجب مجازات و عقاب می‌گردد و عمل حرمت عملی است که به انتقال مکمل از ناحیه خداند متعال ملزم به ترتیب آن است و انجام آن از نظر فقهی سبب تکوئش می‌گردد (جابری عربولو).

---

1. رک: جواهر ج، ۲۱، کتاب امر به معروف و نهی از منکر، ص ۳۹۴ تا ۳۹۶.
2. برای بررسی دلال و استنداد پیران نظریه سکوت و پاسخ های آن، رک: حسنعلی مشترک‌پذیری، مبانی قطعیتی حکومت‌های اسلامی، مؤسسه کیهان، ج ۱، ص ۳۵۴ تا بعد.
۱۳۶۲، مراجعه به حکومت غیراسلامی نیز موجب عقب و نکوهش خداوند متعال
است. براساس این وظیفه، در صورتی که مسلمانان مقدمات تشکیل حکومت اسلامی را
فرآم و نکند و در اعمال اجتماعی خود مانند حلال و صیل اختلافات به حکومت غیراسلامی
مراجعه نمایند، گناهکار و مستوجب عذاب الهی خواهند بود.

افزون براین، یکی از مباحثی که در علم فقه درباره آن مباحثی صورت گرفته، حرم
همکاری با حکومت‌های غیراسلامی یا جانور یا رازی رساندن به آنها است؛ برای نمونه فقه‌ای
تخت موضوع تجارت‌های حرام، به موضوع بازی حکومت‌های طالب و جانداران می‌پردازد
و معتقدند هرگونه مالی که از راه یاری رساندن به حکومت‌های غیراسلامی در مسیر تحقق
اعمال حرام و ظلم به مردم مانند نامه‌گزاری، احضار مالی به گناه در دستگاه ظالم و مانند
این موارد کسب گردید از اقسام اموال و در آمد‌های حرام به حساب می‌آید (انصاری دژفولی،
۱۳۴۵، ۲، ۲۴ و (عاملی، ۱۳۴۱، ۳، ۲۱۳). هرچند برخی از فقه‌ای درآمدهایی از همکاری با
حاکم غیراسلامی را هنگامی که مسلمان به عنوان یاران و اعوان حکومت غیراسلامی به
حساب می‌آید، حرم می‌دانند، معتقدند کسب درآمدها از یاری رسانند در اعمال مباح نیز
حراهم خواهد بود. حتی اگراین عمل ساخت مسجد برای حکومت باشد (انصاری دژفولی،
۱۳۴۵، ۲، ۲۴ و (عاملی، ۱۳۴۱، ۳، ۲۱۳). درآمدهایی از همکاری با حکومت‌های غیراسلامی در امور مباح مشروط برو
آنکه از جمله همکاران یا یاران آنان به حساب نیایند، نیز مکروه است (عاملی،
۱۳۴۱، ۳، ۲۱۳). روابط فراوانی نیز می‌توان یکی از همکاری با حکومت‌های غیراسلامی وجود دارد.
(انصاری دژفولی، ۱۳۴۵، ۲، ۲۴ و (عاملی، ۱۳۴۱، ۳، ۲۱۳). همینطور که پیش از این نیز شاهد حکم
حکم و تکلیف عدم رجوع، مرزی است تا تمام شدید حکومت اسلامی و محدود به موارد ذکر شده نیست و
پیمان موارد فوق صرف برای اشاره به نمونه‌هایی در آثار فقهی می‌باشد.

نتیجه عقلانی حکم حرمت و رجوع به طاغوت برای فرد مسلمان از یک سو و لزوم
تشکیل حکومت برای جلوگیری از هرج و مرج و سروسامان دادن امور اجتماعی از سوی دیگر,
مستلزم مقابلی با حکومت‌های غیراسلامی در حد نهان است، چراکه در این صورت حکم
حکم مراجعه به حکومت غیراسلامی لغو می‌یابد. (کعبی، ۱۳۹۲، ۵، ۱۳۹۲) به عبارت دیگر
مقدمه

مردم و حكومات غیر اسلامی؛ سکوت، هجرت، مقابل؟

اجرای کامل دین به عنوان امر خداوند متعال، برای سعادت بشری نیازمند به تشکیل حكومات است و تشکیل حكومت خود منتو به مبارزه با حکومت‌های غیر اسلامی است که بر مبنای غیره زمینه‌ای آلیه شکل گرفته‌اند؛ بنابراین مقابله و مبارزه با حکومت‌های غیر اسلامی تا حد توان، لازم‌های اجرای احکام و دستورات دینی است. هرچند در صورت عدم توافقات مردم در تشکیل حکومت نیز توجه به رای پذیرش ولایت حاکم جاری وجود ندارد.

همان‌گونه که پیش از این اشاره شد، حکم اولیه شرع، حرم مراجعه به طاغوت و لزوم تشکیل حکومت اسلامی است و مطابق با نظر فقها و با استناد به روایات معتبره، رجوع به محاکم غیر اسلامی همچون تفاضای داوری از طاغوت حرام است، در حالی که براساس حکم ثانویه، جنایته‌ای احکام مسلمین تنها منتو به رجوع به این محاکم باشد، حکم حرم منتفی می‌گردد (مکارم شیرازی، 1427، 217). برای نمونه در خصوص مبانی مسلمان و فرد غیرمسلمان، هنگامی که فرد مسلمان دستیابی به حق مسلم خود را منتو به رجوع به حکم غیر اسلامی می‌یابد و راه دیگری برای آن وجود ندارد؛ مانع شرعی در مراجعه به او وجود ندارد. این موضوع مربوط به شرایط خاصی است که راهکار دیگری برای مسلمانان وجود نداشته و به عنوان یک محور بیشتر است. نوشته‌های حاضر در حال بررسی وضعیت عادی و معمولی در آینده خصوص بوده و بررسی وضعیت‌های خاص با استنباطی در تمامی موضوعات شرعی، تابع احکام خاص و استنباطی مجزایی هستند.

4- بررسی وضعیت گوناگون تکلیف مبارزه با طاغوت

مردم در مقابل تکلیف حرمت رجوع به حکومت‌های غیر اسلامی و وجوه مقابله و مبارزه با آنان در راستای تحقق مقدمات تشکیل حکومت اسلامی و اجرا احکام دین در جامعه راهکارهایی را پیش روز دارند. این راهکارها متناسب با شرایط زمان و میزان آمادگی مردم

1. آیا برای مسلمین جان‌یافتن که دعاواری خود را برای شخص مسلمانی به محاکم غیر اسلامی پردازند?
2. جواب: در روایات معتبره وارد شده است که دقایق داوری از آنها مانند دقایق داوری از چنین طاغوت و حرام است؛ به لحاظ صورتی که رجوع به آنها نتیجه راه احکام حق باشد، مانع نیز ندارد.
برای فراهم نمودن مقدمات باندانژی حکومت غیراسلامی در طرفیِ گسترده‌ای تقسیم‌بندی می‌گردید که بر تبدیل انقلاب علیه حکومت طاغوت به هدف مسلمانان نزدیکتر است. در این خصوص باید گفت: مستند به اصل امر به معرفت و نهی از منكر، وادله و رجوع به اصل نفی سلطه اجانب و ورود مبارزه با ظلم انقلاب علیه حکومت غیراسلامی و تشکیل نظامی متین برمعیارهای دینی ضروری است. هرچند مسلمانان باید با درنظرگرفتن مراتب و شرایط امر به معرفت و نهی از منكر، از اقدامات نرم و مسلمات آمیزه کنند و در صورت عدم امکان باندانژی از این طریق، از بازی‌های شدیدتری استفاده نمایند. (عمیم زنجانی، ق2، 1421)، به عبارت دیگر، امت اسلامی نخست از راه‌های کاریکایی مسلمان آمیزه‌داده بی مثال به حکومت‌های غیراسلامی می‌کند که این راه‌کارها به مثالبره باندانژی نرم در مفهوم مصطلح سیاسی است. 

اما پرسش اصلی این مقاله در ارتباط با شرایط است که امکان انقلاب و باندانژی حکومت غیراسلامی و تحقق انقلاب به علیه هم‌اندیشان است یا نه؟ این مسئله عمومی مورد وجود ندارد. در این شرایط چه راه‌کارهایی برای مادر مسلمان وجود دارد؟ آیا راه‌کارهایی مانند تعامل و همکاری مبتنی بر انجام دین نیز قابل تصور است؟

فقه‌ها افکار و راهکارهای با حکومت‌های غیراسلامی را حرام می‌دانند و معقّدند در صورتی که اظهار و انجام شعاع‌های اسلامی برای مسلمانان در کشورهای غیراسلامی ممکن نباشد، اقامت در چنین کشورهایی حرام خواهد بود و برهمه کسانی که برای هجرت از نظام غیراسلامی عذری ماند محرومی، قفرو... ندارند واجب است که به کشورهای حضرت کنند که امکان اقامت شعاع‌های اسلامی در آن وجود دارد. (Wedån، ق2، 1426، فقره 2، 118)، شعاع‌الله به مجموعه‌ی احکام و دستورهای خداوند و عیادت‌های او که سر و صورت جمعی برگزار می‌شود؛ اطلاق می‌گردند. افراد برای دفع آثار فقهاً فقه‌ها به معانی اسلام و آبیاران نیز به کار رفته است که مراد از این با اعمال و راه‌های خاص به اسلام، از قبیل نماز، روزه، خمس، زکات و...

1. برای مطالعه بیشتر، عباس کریمی، علی فناهی زرندی، مراجع مسلمانان در پیاده حکومت غیراسلامی، فصلنامه، حکومت اسلامی، ش2، 1393، ص123-124.
حج می‌باشد و یا امور مختص به مذهب، مانند شهدات به ولایت در اذعان و اقامت و بندهم گفتن بسم الله در نماز است (هاشمي شاهرودی، 1364ه، 1479، 769) در بحث از فقه شیعه با طراحی راهبردی برای مسلمانان در برای حکم خداوند متعال پیرامون حرم رجوع به حکومت‌های غیراسلامی مسئله هجرت بیلاد اسلامی را مطرح می‌نمایند. (عاملی، 1461، 1462) و این ترتیب مقابله با حکومت‌های غیراسلامی در راستای زمینه‌سازی برای تشکیل حکومت دینی و ظیفه آحاد امام اسلامی است و حتی در صورت عدم امکان بارزه با حکومت‌های غیراسلامی از یک سو و وجود حکومت اسلامی که امکان اقامت شعائر الله در آن موجود است از سوی دیگر، وظیفه هجرت را بر عهده مسلمانان قرار می‌دهد.

برای تحقق این تکلیف، با توجه به تدریجی بودن ایجاد شرایط و مقدمات مقابله با حکومت‌های غیراسلامی و یا هجرت از حکومت‌های غیراسلامی به حکومت اسلامی، فوری بودن تحقق تکلیف مدرک می‌گردد و گاهی انجام این وظیفه شرعی در گذر زمان محقق خواهد شد. در همین راستا و مطابق با آنچه بیان شد، مسلمانان باید در گذر زمان مقدمات تحقق حکومت اسلامی را به ترتیب به وسیله امام م주وم و ولی قفقی و عدول مومنین فراهم کند.

نتیجه‌گیری

تشکیل حکومت اسلامی در سرزمین‌های مسلماننشین و برای اجتماع مسلمانان در جهت تحقق کامل دستورات اجتماعی اسلام بیکی از اول درخواست متعال است که تحقق آن نیازمند فراهم نمودن مقدمات آن است. اصلی ترین مقدمه تشکیل حکومت اسلامی حضور و آمادگی مردم در راستای تحقق این امر است. در همین راستا در مقام تبیین حکم اولیه شرعی باید گفته: بر عهده مسلمانان لازم است تا حکومت‌های غیراسلامی را از حکومت‌های غیراسلامی شناسایی نمایند و در جهت مقابله با حکومت‌های غیراسلامی اقدام کنند. هرچند گاهی مبنی بر عناوین ثانویه هم اند اضطرار و مصلحت، حکم اولیه شرعی به حکم ثانویه تغییر می‌یابند.

مشروطت حکومت اسلامی اصلی ترین معیار ایجاد تمامی‌میان این دو دسته حکومت
است. حکومتی که براساس اوامر خداوند متعال و تحت حکومت شخص متولی از ناحیه اوشکل گرفته است، حکومت مشروع اسلامی و حکومتی که برای از این منابع استوار شده، حکومت غیراسلامی است. در این چنین شیوه‌ی شیری نیز اصلاحات طاغوت و حاکم جائیر که حاکم آنها بدون داشتن اذن از ناحیه خداوند متعال به اعمال حکم‌یابی می‌پردازند در مفهوم حکومت غیراسلامی به‌کار رفته است. بنابراین هر حاکم غیر از پیامبران الهی، ائمه معصومین و منصوریون یا مأذون ایشان در عصر غیبت، از مصادیق حکومت طاغوت و حاکم جائیر هستند.

از طرف دیگر قرضها با استناد به منابع دینی حکم به حورمت رجوع به حکومت‌های غیراسلامی در تدبير امور مسلمانان داده‌اند. به عبارات دیگر مراجعه به حکومت‌های غیراسلامی مورد نهی خداوند متعال قرار گرفته و افراد در صورت ارتكاب به آن مستحق عقاب و مجازات خواهند بود. در مقابل فقه‌ها به نحوی شریفی راهبردهایی را نیز متقابل مسلمانان قرار داده‌اند و حتی در صورت تعذر از متقابل به حکومت غیراسلامی در جهت تشکیل حکومت اسلامی ضمن بیان حورمت حضور در جامعه‌ای که امکان برقراری شعائر اسلامی در آن موجود نیست حکم به هجرت مسلمانان نموده‌اند.

افزون برای موارد به نظر می‌رسد هنگامی که رجوع به حکومت غیراسلامی تنها راه احقاق حق مسلمان است، این رجوع منع نمی‌شود. بنابراین بفرناد مسلمان واجب است که افزون بعد مراعاته به حکومت غیراسلامی در حد توان خود موجبات تشکیل حکومت اسلامی را فراهم آورد. این در حالی است که در جهت مقابله با حکومت‌های غیراسلامی می‌توان راهکارهایی را متصور شد. انتقال به عنوان مهم‌ترین راهکار مقابله با حکومت‌های غیراسلامی به‌عنوان مهم‌ترین تشکیل حکومت اسلامی است، اما در صورت نبود امکان تحقق انتقال و بردازی حکومت، تعامل با حکومت‌های غیراسلامی در جهت اجرایی نمودن احكام دین در عرصه اجتماع راهکار به‌روی مسلمانان خواهد بود.
منابع و مأخذ
قرآن کریم.
1. ابن منظور: لبنان/عرب: بیروت، 1863م.
2. احمدی محمد: تحول مفهوم حاکم جایگزینی شیعه: مرکز اسناد انقلاب، 1388.
3. اسكندری محمدحسین و داد ایکلی اسماعیل: دانشگاه ایرانیان: دفتر همکاری، 1377.
5. امامی، محمد و کورش استوار سنگری: حقوق برجام: نشر میزان، 1391.

انصاری، 1315 هق.
7. انصاری، نجف آبادی حیدری: «طاغوت»، نشره پیام اسلام، 1358.
8. تابش رضا و محسنی جعفری: مبانی مشروطیت نظام جمهوری اسلامی: مرکز اسناد انقلاب، 1390.
10. جمشیدی، محمد حسین: اندیشه سیاسی شهید رابع، امام سید محمد باقر صدر (عج): وزارت خارجه، تهران، 1377.
11. جوادی، آملی عبدالله: ولایت فقهی: اسرا، قم، 1390.
12. جوان آراسته حسنی: مبانی حکومت اسلامی: پیامک شماره 27، قم، 1388.
13. جمعی از مقفعان: فرهنگ نامه اصول فقه: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، قم، 1389.
14. حسینی جرجانی: سید امیر باقر فتحی: آثار انقلاب؛ انتشارات نويد، 1404 ق.
15. (امام) خمینی سید روح الله: ولایت فقهی: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، 1385.
شماره چهارم

پاییز و زمستان ۱۳۹۶

۴۸

فقه حکومتی

۱۶.--------------------------------------------------- کتاب الیه، جلد اول، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، تهران، ۱۳۸۸.

۱۷. دهخدا یا اکبرنامه دهخدا، دانشگاه تهران، تهران، [بی. تا].

۱۸. سبیانی جعفر، مبانی حکومت اسلامی، انتشارات توحید، قم، ۱۳۷۰.

۱۹. طاهری حیدر، ولایت فقهی؛ دفتر انتشارات اسلامی، [بی. جا]. ۱۳۸۱.

۲۰. طباطبایی، سید محمد حسن؛ الیزابет، انتشارات اسلامی، تهران، ۱۳۸۴.

۲۱. عاملی، زین الدین بن علی؛ الیزابيت، شرح اللمعه؛ کتابخانه داوری، [بی. جا]. ۱۳۸۰.

۲۲. عباسی، بیزان؛ مبانی حقوق اساسی؛ جنگل، تهران، ۱۳۸۸.

۲۳. عیسی زنجانی، عباسعلی؛ فقه سیاسی؛ جلد ۳، امیرکبیر، تهران، ۱۳۹۶.

۲۴. قاضی شریعت پناهی، ابی‌الفضل، باشتهای حقوق اساسی؛ میزان، تهران، ۱۳۸۸.

۲۵.دوره حقوق؛ نهادهای حقوق اساسی، میزان، تهران، ۱۳۸۳.

۲۶. قلی زاده احمد؛ همکاری علمی با دولت های جوره، انتشارات، تهران، ۱۳۹۰، شماره ۱۷، ص ۴، ص ۲۵.

۲۷. کبیری، عباس؛ شرح قانون قانون اساسی (اصول اول)، مرکز تحقیقات شورای نگهبان، تهران، ۱۳۹۲.

۲۸. کلاهما، دیگران و دیگران؛ ناشناخته با علم سیاست؛ ترجمه بهرام ملکوتی، امیر کبیر، تهران، ۱۳۵۱.

۲۹. لوئیس ملکی؛ منطقه النهادی؛ نشر اسلامی، تهران، ۱۳۶۴.

۳۰. معینی، محمد؛ فرهنگ فارسی مبنا؛ امیرکبیر، تهران، ۱۳۸۹.

۳۱. مراغی، میر عبادالله، مناسه النشرالاسلامی، [بی. جا]. ۱۳۱۸.

۳۲. مراغی، میر عبادالله، مناسه النشرالاسلامی، [بی. جا]. ۱۳۸۵، قم.

۳۳. میکارم شیرازی ناصر؛ استحیالات جدید؛ انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب، قم، ۱۳۵۲.

۳۴. میکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ تفسیرنمونه؛ دارالکتبال‌الاسلامی، [بی. جا]. ۱۳۷۴.
مردم و حكومة غرب إسلامي؛ سكون، هجرت، مقابلة؟

35. ---------------: الأمثل في تفسير كتاب الله المنزل: انتشارات مدرسه أمام علي بن أبي طالب.
[بني جا], 1376 ق.

36. ---------------: مسلم القرآن: جلد 168، دار الكتب الإسلامية، قم، 1377.

37. نجيبي، شيخ محمد حسن: جواهر الكلام: جلد 22، دار الكتب الإسلامية، قم، 1387.

38. نصرتى، علي: مصر: نظام سياسي إسلام: هاجر [بني جا], 1384.

39. منتظری، حسينعلی: مبانی فقهی حكومت اسلامی؛ مؤسسه کهیان، جلد 1، تهران، 1392.

40. هاشمی شاهزادی، سید محمد و دیگران: فرهنگ فقه مذهب‌های اسلامی؛ مؤسسه دانشگاه فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، قم، 1426 هق.

41. هاشمی محمد: حقوق اساسی و اختلافات سياسی: میزان، تهران، 1395.

42. وجدانی فخر قدرت الله: الجواهر الفخریة في شرح الروضة البهية: انتشارات سما، قم، 1426 هق.